



این تجربه ها بر کشور را نداریم اما بررسی تجارب آنان می تواند راهنمای تبیین اقتصاد مقاومتی و همچنین مبین اهمیت آن باشد. در این باره تجربه ۲ کشور ژاپن و سنگاپور را به طور خلاصه شرح می دهیم.

#### سیاست های امنیت اقتصادی در ژاپن

ژاپن کشوری با منابع طبیعی اندک است که این کشور را از نظر منابع و نهاده های تولید مثل انرژی، مواد غذایی و... به جهان وابسته می کند. از سوی دیگر فرهنگ ژاپنی بر استقلال کشور در حوزه های مختلف اقتصادی و فرهنگی و مقابله با اجنبی استوار است. ژاپنی ها با آگاهی کامل از این واقعیت که اعتقادات، ارزش ها و نوع فرهنگ، تمام ابعاد زندگی جامعه را متأثر می کند، در طول تاریخ، با وجود تهاجم فرهنگی کنفوسیوس و بودا و غرب، همواره به حفظ ارزش ها و اصول فرهنگ اصیل خود (آئین شینتو) توجه کامل داشتند و از میان آموزه های مکاتب دیگر، دست به انتخاب زدند و بهترین آموزه های هر یک را گلچین کرده اند. در همین شرایط است که فرهنگ بومی خود را حتی بعد از دوران اشغال پس از شکست در جنگ جهانی دوم باز یابی کردند و نظام آموزشی که اشغالگران به کشورشان تحمیل کرده بودند را حذف و بومی آن را جایگزین کردند. برخی حتی سیاست های جنگ طلبانه ژاپنی ها و اشغال سایر کشورها در دوره های مختلف قبل از جنگ دوم جهانی را نیز متأثر از تعصب آنها برای تامین نیازهای اساسی خود و پیشگیری از وابستگی دانسته اند.

**ژاپن و اقتصاد آسیب پذیر:** در این شرایط ژاپنی ها در دوره های مختلف در حوزه اقتصاد سیاست های مختلفی برای امنیت اقتصادی خود اتخاذ کردند. وابستگی به نفت و واردات انرژی، وابستگی به مواد خام صنعتی، نیاز به واردات مواد غذایی و کشاورزی، وابستگی به بازارهای صادراتی کشور های جهان سوم، همه و همه اقتصاد ژاپن را در معرض آسیب هایی چون کاهش منابع طبیعی یا کاهش عرضه آن توسط کشورهای مختلف، کاهش تولید مواد غذایی به دلایل طبیعی یا تصمیم تولید کنندگان برای صادر نکردن مواد غذایی به این کشور، افزایش ناگهانی قیمت ها، اختلال در مسیر تجارت مثل مسیرهای دریایی و... قرار داده است.

**ژاپن ناگزیر از مقاوم سازی اقتصاد:** در این شرایط ژاپن سیاست های مختلف امنیت اقتصادی را به کار می بندد تا امنیت لازم برای اقتصاد خود را فراهم کند. نکته مهم در مورد اقتصاد ژاپن سرمایه انسانی ارزشمندی است که به مدد فرهنگ بومی

ثروت و سرمایه اشاره می کند. ۲- تاب آوری پویا (dynamic resilience) که به قابلیت اقتصاد در بازسازی و پوشش اثرات رفاهی ناشی از شوک های اقتصادی می پردازد.

#### شاخص سازی برای سنجش مقاومتی بودن اقتصاد

در مورد پدیده های اجتماعی بعد از تعریف و تبیین نظری مفاهیم، ارائه یک چارچوب تحلیلی برای سنجش تجربی مفهوم مورد نظر از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا بعد از طرح و تبیین شاخص سازی از اهمیت بالایی برخوردار است در مورد مقاومتی بودن اقتصاد با توجه به این که یک موضوع کلان اقتصادی است و گاه با جنبه های مختلف نظام حکمرانی در کشورها، تعاملات بین المللی، فضای کسب و کار و تجارت و حتی مسائل اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی ارتباط دارد ضروری است که شاخص هایی شامل تمام این موارد طراحی شود تا ارزیابی وضعیت فعلی اقتصاد از نظر مقاومتی بودن ممکن شده و پس از آن رصد حرکت اقتصاد در مسیر مقاومتی شدن میسر شود. در ادامه برخی شاخص های ارائه شده توسط اندیشمندان جهت سنجش میزان مقاومتی بودن اقتصادها بررسی می شود.

#### شاخص های بومین

بومین ۱۰ شاخص همراه با ۵۲ زیر شاخص برای سنجش مقاومت پذیری اقتصاد ارائه می کند.

#### شاخص های بریگو گلیو

بریگو گلیو ۲ شاخص کلی برای سنجش مقاومت پذیری اقتصاد ارائه می کند که یکی مربوط به در معرض شوک قرار گرفتن است که به آسیب پذیری اقتصاد منجر می شود و دیگری مربوط به استحکام درونی اقتصاد، یعنی توانایی تاب آوری در برابر شوک های خارجی است.

#### شاخص ارائه شده توسط مرکز پژوهش های مجلس:

همه شاخص های معرفی شده اگرچه با مفهوم اقتصاد مقاومتی قرابت هایی دارد اما قطعاً منطبق بر تعریف مدنظر از اقتصاد مقاومتی در داخل کشور نیست. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در آخرین گزارش خود بر اساس سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به تبیین شاخص هایی برای سنجش اقتصاد مقاومتی پرداخته است که به طور خلاصه در شکل صفحه بعد قابل ملاحظه است:

#### تجربیات جهانی مقاوم سازی اقتصاد

با بررسی اقتصاد کشورهای مختلف می توان تجربه های آنان در مورد مقاوم سازی اقتصاد را بررسی کرد. اگر چه قصد تطبیق

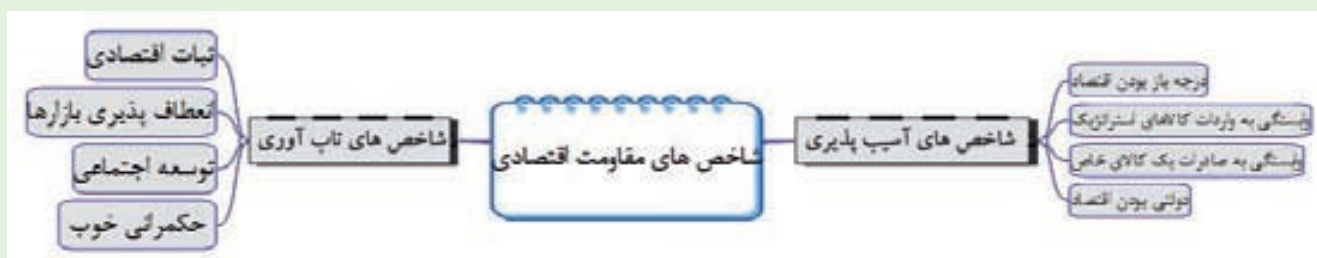
این کشور فراهم آمده است. ژاپنی ها علاوه بر سخت کوشی و نظم، مقید به پس انداز مناسب هم هستند. نکته مهم آن است که نظام آموزشی ژاپن دقیقاً به گونه ای طراحی شده است که فرهنگ سخت کوشی، اتکا به خود و استقلال و همچنین ابداع و نوآوری را فراهم آورد. فرهنگ کار و تلاش و پس انداز، همراه با سیاست های مناسب صنعتی (حمایت از صنایع بزرگ در کنار صنایع کوچک و استفاده از بازار صادراتی دیگر کشورها بر مبنای اقتصاد رقابتی دانش بنیان) زمینه های مناسب برای رشد درون زای اقتصاد ژاپن را فراهم کرد که خود می تواند از آسیب پذیری اقتصاد این کشور بکاهد. اما ژاپنی ها به این موضوع اکتفا نکرده و سیاست های دیگری برای افزایش امنیت اقتصادی خود فراهم کردند که در ادامه به چند مورد اشاره می شود:

۱- تامین مواد خام از خارج به طور مستمر: در این حوزه ژاپنی ها ۳ استراتژی کلی به کار بستند. اول این که در منابع تامین اقلام مورد نیاز خود تنوع ایجاد کردند تا به یک کشور خاص وابسته نباشند. مثلاً این کشور که وابستگی شدیدی به منطقه خاور میانه دارد احساس کرد تلاش های بسیاری برای تنوع منابع انرژی خود از شرق آسیا، آمریکا، جنوبی و حتی آمریکا داشته است. به خصوص بعد از نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران و بعد از آن انقلاب ایران تلاش خود را در این حوزه بیشتر کرد تا این که در سال ۱۹۸۲، ۲۲ درصد نفت خود را از کشورهای آسیای شرقی تامین کند. هم اکنون نیز بیش از ۲۰ درصد نفت ژاپن از کشورهای غیر از خاور میانه تامین می شود. راهکار دوم ایجاد کنترل - یا ایجاد وابستگی متقابل - بر منابع عرضه مواد اولیه بوده است که به اشکال مختلفی چون انعقاد قرارداد های طولی مدت از طریق وام های مشروط، سرمایه گذاری مستقیم و مستقل شرکت های ژاپنی برای کشف و اکتشاف منابع در سایر کشورها و همچنین انعقاد قرارداد های تباری (مبادله پایایی کالاها) جهت ایجاد وابستگی متقابل محقق شده است. راهکار سوم هم ذخیره مواد اولیه حیاتی و استراتژیک بوده است.

۲- کشف و استفاده از منابع جدید انرژی و امساک در مصرف آن: با وجود همه این راهکارهای ژاپنی ها از نگاه به داخل برای تامین انرژی غافل نشدند. استفاده از انرژی های نو مثل انرژی اتمی در دستور کار ژاپنی ها بوده و هست. منابع زغال سنگ و گاز طبیعی و در نهایت انرژی آب و زمین گرمایی در برنامه های بلند مدت ژاپن برای کاستن از وابستگی به خارج قرار گرفته است. مصرف برق هسته ای در ژاپن از سال ۱۹۶۵ از ۰/۴ تراوات ساعت به ۱۴/۶ تراوات ساعت در سال ۲۰۱۳ رسیده است که نشان از رشد ۳۶ برابری این انرژی دارد. علاوه بر تمام این تدابیر اقتصاد پیشرفته ژاپن به طور مداوم با افزایش کارایی و بهبود فناوری از مصرف انرژی خود کاسته است.

#### تناقض نمای سنگاپور

باور عمومی این است که اقتصاد های کوچک، وابسته و تاثیر پذیر هستند و در اقتصاد جهانی به عنوان کشورهای حاشیه ای - و نه هسته ای و مرکزی - ایفای نقش می کنند. این موضوع حتی در کتب درسی نیز نمود دارد و تحلیل های متفاوتی برای بررسی اقتصاد کشورهای کوچک - با تاثیر گذاری ناچیز و اثر پذیری بسیار - از اقتصاد جهانی دارند و اقتصاد های بزرگ خلق کرده است. چنانچه ملاحظه می شود بزرگ ترین اقتصاد های جهان مثل آمریکا، چین، ژاپن و کشورهای اروپایی عمده تا کشورها بزرگ ویر جمعیتی هم هستند چنانچه این موضوع که کوچک بودن یک



شاخص های ارائه شده توسط بریگو گلیو؛ بر اساس این شاخص اقتصاد ایران در رتبه ۶۳ جهان قرار دارد